

تبیین و تحلیل نامه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان اروپایی و آمریکایی

حسن رحیمی (روشن)^{*۱}

جعفر جعفری‌پور^۲

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش پیش‌رو این است که قصد و منظور رهبر انقلاب اسلامی از نوشتن نامه به جوانان غربی چه بوده است؟.

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش و در راستای پاسخ به سؤال اصلی طرح شده، نگارندگان در پی آنند با بهره‌گیری از روش تبیینی - اکتشافی به هدف و انگیزه رهبر انقلاب اسلامی و دلایل ایشان از نوشتن نامه به عموم جوانان غربی و آمریکای شمالی در این برهه حساس زمانی دست یابند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عواملی نظیر سیاه‌نمایی گسترده دشمنان و سردمداران غربی علیه اسلام، ارائه‌ی تصویری ترسناک از اسلام معادل تروریست، نیز سرکوب دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا که در حمایت از مردم غزه به پا خاسته‌اند؛ رهبر انقلاب اسلامی را بر آن داشت که پیام خود را در قالب‌نامه‌هایی به عموم جوانان غربی منتقل نمایند.

نتیجه‌گیری: در نتیجه پژوهش صورت گرفته آشکار گردید که رهبر انقلاب ضمن تلاش برای دفاع از حریم اسلام و ارائه روایت متفاوتی از اسلام در مقابل روایت غربی از آن، به تبیین نوع سیاست‌ورزی سلطه‌گران می‌پردازند و چاره‌ی کار را اصلاح سیاست‌های کشورهای غربی در قبال معضلات جهانی می‌دانند. در نهایت، ضمن حمایت از خیزش دانشجویان، با عنایت به انعطاف‌پذیری و روح آزاداندیش و حقیقت‌جوی جوانان غربی، آنان را به شناخت منابع اصلی اسلام و حقایق اسلام ارجاع می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: رهبر انقلاب اسلامی، جوانان غربی، اسلام هراسی، نظام سلطه، جبهه مقاومت.

Email: h.rahimiroushan@basu.ac.ir

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا همدان.
(نویسنده مسئول)

Email: jfrj52200@gmail.com

۲- کارشناسی‌ارشد گرایش اندیشه‌سیاسی در اسلام، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان؛ دانشجوی علوم‌سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

مقدمه

رابطه میان جهان اسلام و جوامع غربی در چند دهه اخیر همواره با چالش‌های فرهنگی، معرفتی و رسانه‌ای روبه‌رو بوده است. وقوع حادثه تروریستی در فرانسه ۱۷ دی ۱۳۹۳ (۷ ژانویه ۲۰۱۵) و حمله به مجله شارلی ابدو به دلیل انتشار تصاویر موهنی از پیامبر(ص) هم چنین حادثه تروریستی توسط داعش در حومه شمالی پاریس ۲۲ آبان ۱۳۹۴ (۱۳ نوامبر ۲۰۱۵) موجب ایجاد و گسترش پدیده‌هایی چون اسلام‌هراسی، ارائه تصویرهای تحریف‌شده از اسلام در رسانه‌های غربی و گسست فکری میان دو حوزه‌ی تمدنی اسلام و غرب، را در پی داشت. این حوادث و اتفاقات مشابه موجب شده است شناخت واقع‌گرایانه و منصفانه از اسلام در میان نسل‌های جوان اروپایی و آمریکایی به‌درستی شکل نگیرد. این وضعیت نه‌تنها فهم متقابل میان فرهنگ‌ها را تضعیف کرده، بلکه زمینه گفت‌وگو و هم‌زیستی عقلانی را نیز محدود ساخته است.

در چنین فضایی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، طی دو نامه سرگشاده در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی، با زبانی دعوت‌گر و رویکردی انتقادی-گفتگو محور، تلاش کرد تا پاسخ فکری و فرهنگی به این وضعیت ارائه دهد. این نامه‌ها با محوریت دعوت به تفکر، تحقیق مستقیم در منابع اصیل اسلامی و پرهیز از پیش‌داوری‌های رسانه‌ای، گامی مهم در جهت برقراری ارتباط بین‌فرهنگی و بازنمایی چهره واقعی اسلام محسوب می‌شوند.

بعد از گذشت ده سال از حوادث فوق در فرانسه و به دنبال حمله رژیم صهیونی به غزه خیزش مسالمت‌آمیز دانشجویی در حمایت از غزه از ۱۷ آوریل ۲۰۲۴ از دانشگاه‌های آمریکا آغاز و به تدریج به دانشگاه‌های دیگر کشورهای غربی کشیده شد. در پی اقدام اعتراض آمیز دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا در اعتراض به نسل‌کشی مردم غزه رهبر انقلاب اسلامی در ۵ خرداد ۱۴۰۳ (۲۵ مه ۲۰۲۴) نامه سوم خود را به عموم جوانان غربی و آمریکای شمالی، در ۵ خرداد سال ۱۴۰۳ ش (۲۵ مه سال ۲۰۲۴ م) صادر و ۱۰ خرداد منتشر نمودند و به تبیین مسائل پیرامون این حادثه پرداختند.

با وجود بازتاب‌های گسترده‌ی رسانه‌ای و سیاسی، هر سه نامه پیش گفته، تاکنون پژوهش‌های اندکی به تحلیل جامع محتوای این دو نامه از منظر گفتمانی، فرهنگی و ارتباطی پرداخته‌اند. در نتیجه، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: مضامین محوری، راهبردهای گفتمانی و اهداف ارتباطی آیت‌الله خامنه‌ای در این نامه‌ها چیست و این پیام‌ها چگونه می‌کوشند تصویر عقلانی و انسانی از اسلام را در برابر برداشت‌های نادرست غربی بازسازی کنند؟ از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-تبیینی، در پی آن است تا ضمن بررسی ساختار و محتوای این نامه‌ها، جایگاه آن‌ها را در گفتمان تعامل فرهنگی اسلام و غرب تبیین و تحلیل نماید. بنابراین طی این پژوهش، پس از بیان چکیده و مقدمه‌ای در باب موضوع؛ در قالب چارچوب مفهومی به تعریف واژه‌های مهم و کاربردی مورد استفاده در پژوهش پرداخته؛ و پس از تمرکز روی مبحث هرمنوتیک به عنوان چارچوب نظری پژوهش، به تبیین و کشف فهم و قصد رهبر انقلاب اسلامی از نوشتن نامه‌ها به عموم جوانان غربی می‌پردازیم. از اهداف فرعی تحقیق می‌توان به تبیین جایگاه اسلام و فهم

جبهه‌بندی در تفکر انقلاب اسلامی از منظر اندیشه‌ای امامین انقلاب علی‌الخصوص رهبر انقلاب اسلامی اشاره کرد.

پیشینه پژوهش

با توجه به تازه بودن موضوع از لحاظ زمانی، در این باب تحقیق و بررسی‌های چندانی صورت نگرفته و صرفاً پیرامون این موضوع، مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایی در دسترس می‌باشد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: در تحلیلی تحت عنوان «مروری بر پیام رهبر انقلاب به دانشجویان آمریکا» (خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: ۲۰۲۴) ضمن اشاره به معنای محور مقاومت، به تعریف استضعاف و استکبار به عنوان معیارهای جبهه‌بندی می‌پردازد. در گفتگوی دیگری تحت عنوان «راهبرد قدرتمند نامه ۶۸۰ کلمه‌ای رهبر انقلاب اسلامی به دانشجویان آمریکایی» (عاملی: ۲۰۲۴)؛ ایشان ضمن اشاره به هوشیاری رهبر انقلاب اسلامی نسبت به خطرات نظام سلطه، به شرح ارتباط مستقیم رهبری با نسل جوان اروپا و آمریکا جهت آگاهی این نسل نسبت به حقیقت اسلام و حقایق مرتبط با نظام سلطه می‌پردازند. وجه تمایز پژوهش پیش رو با موارد پیشین در این است که در پژوهش حاضر علاوه بر این که نخستین پژوهش علمی در این باره است؛ به تحلیل عناصر و متغیرهای دخیل در چرایی نگارش نامه‌ها، نیز به تبیین و بررسی و کشف قصد رهبر انقلاب اسلامی از نوشتن نامه‌ها در این برهه حساس پرداخته شده است؛ در حالی که در نمونه‌های ذکر شده پیشین، تنها به متن نامه‌ها و توضیح برخی واژه‌های مرتبط اشاره شده و موضوع به صورت کلی و گزارش گونه مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی اصطلاحی است برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی بخش اسلام) و عمل سیاسی (اقدام به تغییر شرایط موجود) که بر بنیاد اسلام خواهی شکل گرفته و هدف از آن استقرار نوعی نظام سیاسی است که در تعارض با الگوی اسلامی مملکت داری نباشد و برآمده از مبانی معرفتی اصیل دینی باشد (افتخاری، ۲۰۱۲: ۲۹). از منظر رهبرانقلاب اسلامی بیداری اسلامی عبارت است از: ایجاد حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که به تحولات بیرونی منجر می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۲۰۱۱/۹/۱۷). ریشه‌های بیداری اسلامی برحسب عوامل و ریشه‌های درون‌زا (عوامل مرتبط با فرد انسانی مسلمان) و برون‌زا (حوادث نشأت گرفته از خارج از اندیشه‌ی فرد) بررسی می‌شود. لذا مبنای پژوهش حاضر تعریف رهبرانقلاب اسلامی از بیداری اسلامی است.

اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی از اصطلاحات تازه‌ای است که دهه ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفت و با حملات ۱۱ سپتامبر رواج یافت (علی‌پور و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۹). پژوهشگران سیاسی، مضمون اسلام‌هراسی را تلقی شدن دنیای اسلام به‌عنوان منشأ تهدید برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی می‌دانند (عیسی‌زاده و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۱-۱۳۴). که از مهم‌ترین راهبردهای غرب درمقابل اسلام است (ناصری طاهری، ۲۰۰۹: ۱۲۴). مصادیق اسلام‌هراسی در فضای عمومی جامعه شامل کنش گروه‌ها و احزاب، رسانه‌ها و دولت با شیوه‌هایی چون خشونت، تبعیض، پیش‌داوری و تصویرسازی و طرد علیه مسلمانان اعمال می‌شود (مرشدی‌زاد و غفاری هاشجین، ۲۰۰۷: ۱۱۴-۱۲۴). شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در قرن ۲۰م با اهداف استعمارستیزانه (نظری، ۲۰۱۶: ۱۲۰-۱۲۴) و ناآگاهی غریبان نسبت به ماهیت اسلام از مهم‌ترین عوامل رواج پدیده اسلام‌هراسی است (افتخاری، ۲۰۱۰: ۳۰-۳۲).

تروریسم

اصطلاح تروریسم برای نخستین بار در سال ۱۷۹۸ وارد فرهنگ جهانی شد. به دلیل تضاد منافع دولت‌ها تعریف واحدی برای این اصطلاح وجود ندارد (خیبری و دربندی، ۲۰۱۱: ۱۵۹). اما با مسامحه می‌توان تروریسم را عبارت از تهدید و یا استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی (پورسعید، ۲۰۰۹: ۱۴۸-۱۵۱) دانست.

استکبار

استکبار از ریشه «کبر» به معنی اظهار بزرگی و برتری جویی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۹۷)، برتری خواهی و امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۲۶) و خود بزرگ‌بینی دروغین (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۴: ۹) است. و در اصطلاح به معنای سلطه جویی، استعمار و استثمار می‌باشد (پویا، ۲۰۰۰، ج ۱، فصل ۱). در برابر مفهوم استکبار، استضعاف قرار دارد که به معنای ضعیف‌شمردن و ضعیف‌کردن به معنای وسیع کلمه است «استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ یعنی کسانی و دولت‌هایی که در امور انسان‌ها و ملت‌ها مداخله می‌کنند برای حفظ منافع خود و حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل‌اند و پاسخ‌گو هم نیستند» (خامنه‌ای، بیانات: ۲۰۱۴/۱۱/۳). در مفهوم سیاسی، استکبار منشأ استثمار و استعمار و استبداد به‌شمار می‌رود. مفاهیم استکبار و استضعاف، از جمله مفاهیمی هستند که انقلاب اسلامی وارد علم سیاست نموده و همواره مورد تأکید رهبران انقلاب بوده است.

محور مقاومت

طبق تعریف پژوهش حاضر؛ محور مقاومت به مجموعه‌ای از کشورها و گروه‌های نظامی مسلمان گفته می‌شود که هدف آن‌ها پایان دادن به تسلط و حضور غرب در منطقه، مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از

آزادی فلسطین است. جنبش‌ها و سازمان‌های مختلفی همچون حماس، حزب‌الله و انصارالله و دولت‌های ایران و تا حدودی، عراق؛ محور مقاومت دانسته می‌شوند.

مبانی نظری پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین راهبردهای ارتباطی آیت‌الله خامنه‌ای در نامه‌هایشان به جوانان غربی، از یک چارچوب نظری تلفیقی بهره می‌برد که مبتنی بر دو رکن اساسی است: نظریه کنش گفتاری در چارچوب رفتارگرایی اسکینر^۱ و تحلیل کنش گفتاری در بستر بافت تاریخی و قواعد زبانی. کار اصلی این مکتب، فهم دقیق معنای متون سیاسی و فلسفی در بستر تاریخی آنها است. اسکینر بر فهم متن یعنی فهم «قصد مؤلف» در زمان خودش تأکید می‌کند. به نظر او برای این که بفهمیم نویسنده چه «می‌خواسته بگوید» باید متن را در زمینه‌ی تاریخی و زبانی آن، بررسی کنیم. نظریه اسکینر بر این فرض استوار است که رفتار عمدتاً تابعی از پیامدهای آن است. از این رو در این پژوهش نامه‌های رهبر انقلاب به عنوان محرک‌های پیچیده کلامی در نظر گرفته می‌شوند که هدفشان ایجاد یک زنجیره رفتاری مطلوب در مخاطب یعنی جوانان غربی است. اسکینر معتقد است که «مخاطب باید هم معنای الفاظ استفاده شده توسط مؤلف را بداند و هم نسبت به آن که مؤلف معنای لغوی مألوف واژه‌ها را در نظر داشته یا نه، اطمینان حاصل کند» (سبحانی، ۲۰۰۵، ج ۶: ۴۳). رویکرد اسکینر بر این تأکید دارد که متون سیاسی اخلاقی تنها با درک سه جزء اساسی قابل فهم‌اند: زمینه زبانی و اجتماعی، قصد نویسنده و قواعد گفتمانی مسلط در زمانه نگارش و نوع گفتار. در غیاب این سه عنصر؛ متن قابلیت تفسیرهای نامحدود، متضاد و سطحی را دارد. اصول کلیدی هرمنوتیک اسکینر عبارت‌اند از: مفهوم کنش گفتاری، مفهوم بافت تاریخی و قواعد زبانی و مفهوم نیت. برای اسکینر، هر گفتار (نوشتار یا گفتار شفاهی) یک کنش است که در بستر خاصی انجام شده و تنها با درک آن بستر، می‌توان به نیت گوینده پی برد. زیرا که این نیت با قواعد کاربرد زبان در آن دوره زمانی گره خورده است. توجه به نقش هم‌زمان سه عنصر متن، زمینه و قصد در فهم اندیشه مؤلف، الگوی ترکیبی روش اسکینر است «مضمون اصلی کنش گفتاری آن است که گوینده یا نویسنده با گفتن یا نوشتن کاری را انجام می‌دهد و از انجام آن نیز مقصود و منظوری دارد. از این لحاظ آن چه در تفسیر حائز اهمیت فراوان است، کشف همین قصد است و وظیفه اصلی مفسر، چیزی جز این نیست» (اسکینر، ۲۰۰۲: ۱۰۵). لذا در راستای تفهم اندیشه و رفتار است که تأویل دست‌یابی به معنای پنهان نهفته در متن، هم‌چنین برداشتن فاصله موجود میان متن و خواننده حاصل می‌گردد؛ در نتیجه هنگام تفسیر، معنای پوشیده مانده در قالب گفتن، نزد ما حاضر می‌شود (معینی علمداری، ۲۰۰۶: ۱۵۹).

– مفهوم کنش گفتاری در رویکرد اسکینر: برای اسکینر یک متن در واقع یک کنش ارتباطی است که توسط گوینده در شرایط خاصی انجام شده است. متن‌ها فقط بازتاب عقیده یا حقیقت نیستند؛ بلکه ابزارهایی

هستند برای انجام کنش‌های سیاسی مثل هشدار دادن، مشروعیت‌بخشی، ایجاد هویت جمعی و... به کار می‌روند... در این تحلیل، و انطباق آن با نامه‌های رهبر انقلاب می‌توان گفت که هر جمله از نامه‌ها به مثابه یک «کنش کلامی» مورد سنجش قرار می‌گیرد.

- کنش گفتاری دارای سه سطح است.

- **کنش محمول** (قصد ارتباطی گوینده در حین گفتن)؛ یعنی کاری که گوینده قصد دارد انجام دهد: مانند هشدار دادن، وعده دادن یا در مورد نامه‌ها، دعوت کردن. در نامه‌های رهبر انقلاب، کنش‌های محمول عمدتاً شامل «اطلاع‌رسانی»، «دعوت به تأمل»، و «بیان موضع» هستند. تحلیل این سطح نشان می‌دهد گوینده در صدد است تا چه مفاهیمی را به طور مستقیم به مخاطب منتقل کند.

- **کنش تأثیرگذار**: یعنی اثری که گفتار بر مخاطب می‌گذارد و نتیجه‌ای که حاصل می‌شود. اسکینر تأکید می‌کند که برای فهم متن باید به طور خاص بر قصد محمول تمرکز کرد. با این وجود او این قصد را نه یک نیت ذهنی و پنهان؛ بلکه یک قصد قابل مشاهده در بافت اجتماعی می‌داند. در نامه‌های رهبری، کنش‌های تأثیرگذار عبارتند از: «فراخوانی به استقلال فکری»، «به چالش کشیدن ساختارهای رسمی رسانه‌ای»، و «ایجاد پل ارتباطی ایمانی». این سطح تحلیل نشان می‌دهد که پیام چگونه برای شکل‌دهی به نگرش طراحی شده است.

- **کنش گفتار پیامدی** (اثرات حاصل از گفتن بر شنونده): این سطح، به نتیجه‌ای اشاره دارد که گوینده مایل است بر شنونده اثر بگذارد. (هرچند ممکن است موفق نشود). این اثرات شامل «تغییر در قضاوت اولیه درباره اسلام»، «کاهش حس بیگانگی»، و در نهایت «انتقال از پذیرش منفعل به پژوهش فعال» است. پژوهش حاضر با تحلیل شواهد پس از انتشار نامه‌ها، میزان موفقیت در دستیابی به این پیامدهای رفتاری را بررسی می‌کند.

- **کارکرد اجتماعی گفتار**: این عنصر به اثر یا پیامی اشاره دارد که گفتار در مخاطب واقعی ایجاد می‌کند، خواه این اثر مد نظر نویسنده بوده باشد یا خیر. اسکینر بین معنا و فهم فرق می‌گذارد. معنا با مراجعه به واژه و اصطلاحات در متن و ساختار لفظی آن و از طریق تبیین به دست می‌آید؛ ولی فهم مربوط به نیت نویسنده است که از طریق فهم کنش گفتاری مقصود رسان به دست می‌آید.

مفهوم بافت تاریخی و قواعد زبانی

منظور از قواعد زبانی نحوه استفاده از زبان سطح بالا است. خطاب مستقیم و ادبیات محترمانه که خود نوعی تقویت زبانی است که نشان می‌دهد که این کنش‌ها در چارچوب قواعد خاص ارتباطی تنظیم شده‌اند تا اعتبار و جدیت پیام را به حداکثر برسانند از این رو، نامه‌های آیت الله خامنه‌ای در بستر تقابل گفتمان‌های جهانی، اسلام‌هراسی و فضای شبکه‌های اجتماعی تولید شده‌اند. نقطه قوت اسکینر در این است که قصد محمول را تابعی از قواعد زبانی و اجتماعی حاکم بر زمان نگارش متن می‌داند. از نظر وی معنای یک متن معادل نیت گوینده است؛ به شرطی که آن نیت بر اساس قواعد زبانی و فرهنگی موجود در زمان نگارش

فهمیده شود. اسکینر ضمن تأکید بر این که معنای یک متن در کاربرد آن در بافت تاریخی اش نهفته است و نه صرفاً در قواعد معنایی ثابت؛ معتقد است که زبان نیز ابزاری قدرتمند برای تحلیل متون سیاسی فراهم می‌کند. در واقع معنای یک جمله، وابسته به زبان و قواعدگفتمانی زمان خودش است. پس تفسیر باید در همان بسترتاریخی، سیاسی و زبانی انجام شود.

مفهوم نیت در اندیشه اسکینر: اسکینر معتقد به تمایز نیت درونی و نیت گفتاری است. در نهایت اسکینر سه نوع یا سه حالت از معنا را از هم تفکیک می‌کند: «معنا در حالت اول به چپستی کلمات و جملات یک متن خاص مربوط می‌شود. حالت دوم معنا مربوط به این است که یک متن خاص برای خواننده چه معنایی می‌دهد. حالت سوم که مورد توجه اسکینر است، حاکی از آن است که مؤلف به وسیله آنچه در متن نوشته، چه منظوری یا قصد انجام چه کاری را داشته است» (اسکینر، ۱۹۷۲: ۴۰۱). بنابراین، نیت یک متن، آن هدفی است که نویسنده با گفتن آن قصد دارد در ذهن شنونده برانگیزد. این نیت، باید از طریق درک این که نویسنده با استفاده از واژگان خاص، قصد انجام چه نوع کنشی (مانند استدلال، دعوت و...) را داشته است استخراج شود. باید فهمید نویسنده در لحظه گفتن یا نوشتن چه می‌خواسته انجام دهد، نه فقط چه گفته است. نیت گفتاری مؤلف مهم‌ترین عنصر در تحلیل اسکینر است. نیت گفتاری مقصود واقعی نویسنده از گفتن متن است؛ کاری که او با گفتن آن فعل را انجام می‌دهد: مانند متقاعد کردن، هشدار دادن و ... با توجه به نکات پیش گفته، این پژوهش با تکیه بر نظریه اسکینر در مورد متن‌های سیاسی و اجتماعی، به بازخوانی نامه‌های سه‌گانه رهبر انقلاب، به جوانان غربی می‌پردازد.

سابقه دعوت و نامه نگاری

«اصل دعوت» در روابط خارجی اسلام از اصول مهم است که قبل از هر اقدام دیگر به کار گرفته می‌شود. نامه‌های پیامبر(ص) برای پادشاهان و دعوت آن‌ها به اسلام و... از نمونه‌های آن است. سنت اولیای الهی بر این است که دعوت خود را به گوش همه برسانند و این که چه کسانی را مخاطب قرار دهند، بستگی به شرایط و مصالح و اقتضائات دارد که تشخیص آن با رهبر جامعه اسلامی است. یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ایران، ایجاد موج بیداری اسلامی است. این انقلاب و نتایج و بازتاب‌های آن توجه محققین غربی را به خود جلب نموده و آن را پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام توصیه کرده‌اند (اسپوزیتو، ۲۰۰۳: ۲۴۴). از این‌رو، از بدو پیدایش، با دشمنان بین‌المللی مواجه بوده است و به‌صورت طبیعی باید در صحنه بین‌المللی برنامه داشته باشد (فرزندی: ۲۰۲۰). امام خمینی(ره). بعد از پیروزی انقلاب، به تأسی از «اصل دعوت» در ۱۱ دی ۱۳۶۷ طی نامه‌ای به میخائیل گورباچف (جوادی آملی: ۲۰۰۴). رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق، ضمن پیش‌بینی فروپاشی مارکسیسم، ایشان را به تأمل در اندیشه الهی دعوت نمود. این سنت حسنه در مواردی در دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای نیز ادامه یافت.

کاربست چارچوب نظری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به آنچه از چارچوب نظری این پژوهش گفته شد، در ادامه بایستی بررسی شود که نامه‌های رهبر انقلاب اسلامی چگونه و در چه فضای خاص سیاسی و فرهنگی و با چه قصد و نیتی تدوین و منتشر شده و مخاطبین این نامه چگونه و چرا از بین ملل اروپایی و آمریکایی قشر جوان و به دیگر سخن، عموم جوانان عربی برگزیده شده است.

نامه اول رهبر انقلاب اسلامی به جوانان اروپا و آمریکا.

زمینه تاریخی و گفتمان مسلط زمان انتشار نامه

وقوع حادثه تروریستی در فرانسه -۱۷ دی ۱۳۹۳ (۷ ژانویه ۲۰۱۵)- و حمله به مجله شارلی ابدو به دلیل انتشار تصاویر موهنی از پیامبر(ص) موجب ایجاد موجی از اسلام‌هراسی را در غرب در پی داشت. در آن مقطع، گروه‌هایی مانند داعش با سوءاستفاده از نام اسلام، موجی از عملیات‌های تروریستی را در اروپا و سایر نقاط جهان سازماندهی کرده بودند. این امر منجر به تقویت گفتمان امنیتی و نظامی غرب شد که اسلام را غالباً مترادف با رادیکالیسم و عدم عقلانیت تعریف می‌کرد. اسلام‌هراسی در اروپا و آمریکا به سطحی کم‌سابقه رسیده بود و در بسیاری از کشورها گفتمان غالب، تفکیک میان اسلام اصیل و اسلام افراطی را ناممکن می‌دانست و کل دین را در چارچوب تهدید امنیتی قرار می‌داد. به دنبال این حوادث آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ اول بهمن ۱۳۹۳ (۲۱ ژانویه ۲۰۱۵) طی نامه‌ای به عموم جوانان غربی، به تبیین مسائلی پیرامون این حادثه پرداختند. انتشار نامه پس از حمله شارلی ابدو در پاریس، یک لحظه‌ی حساس در تاریخ روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید. رهبر انقلاب با این نامه، به‌صورت استراتژیک از مخاطبان رسمی-دولت‌ها و مقامات سیاسی- عبور کرد و مستقیماً به جوانان غربی خطاب نمود.

کنش گفتاری برای تأثیرگذاری بر مخاطب

نامه رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکا یک سند سیاسی فرهنگی با اهمیت راهبردی تلقی می‌شود. براساس نظریه اسکینر، درک این نامه مستلزم درک کامل فضایی است که در آن نگاشته و منتشر شد. با اتکا به نظریه اسکینر، نامه نه به‌عنوان یک متن واحد؛ بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های گفتاری است که همگی در خدمت یک هدف ارتباطی بزرگتر-یعنی مداخله در-گفتمان اسلام‌هراسی- هستند تجزیه و تحلیل می‌شود. کنش توصیفی اطلاعاتی (ارائه تعریفی مجدد از اسلام): بخش قابل توجهی از محتوای نامه صرف ارائه تعاریفی مشخص از اسلام شده است، که این کار یک کنش توصیفی است؛ نه صرفاً گزارش‌دهی از واقعیت. در واقع این توصیف تلاشی است برای تثبیت یک معنای مرجع در مقابل معنای رایج. قواعد زبانی حاکم در دوره پس از سال ۲۰۱۵ این بود که واژه اسلام مساوی با خشونت است. نویسنده با استفاده از تعاریف قرآنی و تاریخی که برای مخاطب آشنا با این ارجاعات دارای اعتبار است می‌کوشد تا یک قصد محمول توصیفی جایگزین را بر مخاطب ارائه دهد.

نامه مستقیم به عنوان رسانه‌ای بی‌واسطه

نویسنده نامه، با دور زدن این واسطه‌های رسمی کوشید تا یک کنش ارتباطی مستقیم را به مخاطبان نهایی منتقل سازد. این کنش خود به معنای انکار کفایت نظام گفتمانی موجود برای انتقال پیام نویسنده است. مخاطب نامه، حکومت‌ها نبود؛ چرا که طبق آموزه‌های اسلام و اهل بیت (ع) بیشترین قشری که آماده تغییر بوده و امید اصلاح در آنان وجود دارد، جوانان هستند: «فطرت انسان قابلیت پذیرش حق را دارد» (روم: ۳۰). بنابراین مخاطب قراردادن جوانان از نظر سیاسی، ایدئولوژیکی، روان شناختی و جامعه شناسی، امری پذیرفته شده و عقلایی است. لذا انتخاب جوانان غربی به عنوان مخاطب به صورت دقیق و محاسبه شده صورت گرفته است. اسکینر بر اهمیت فهم مخاطب مورد نظر در تعیین نیت ارتباطی تأکید دارد؛ چرا که اولاً ساختار جوانان در جوامع غربی به دلیل جستجوی هویت و همچنین مواجهه با ساختارهای نژادپرستانه و اسلام هراسانه از نظر گفتمانی آسیب‌پذیرتر و پذیرای روایت‌های بدیل هستند. از سوی دیگر اسلام یک دین استدلالی و عقلی با دلایل منطقی است و این یکی از بزرگ‌ترین عواملی است که گرایش به اسلام را در جوانان زیاد کرده و می‌کند و ثانیاً این جوانان آینده‌سازان فضای فکری جوامع خود خواهند بود: «من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱/۲۱). بنابراین تأثیرگذاری بر این قشر اقدامی راهبردی برای انگیزش تفکر و بازاندیشی در بلندمدت است «حداقل پیامد این نامه، ایجاد تردید در ذهن و دل جوانان غربی است؛ در راهی که توسط دولت مردان غربی طی شده» (سعیدی، ۲۰۲۰).

انتخاب زمان و مخاطب مناسب

انتشار این نامه بلافاصله پس از حملات تروریستی پاریس - دورانی که پدیده‌ای موسوم به اسلام هراسی در غرب به ابزاری مسلط در گفتمان‌های رسانه‌ای و سیاسی تبدیل شده بود- صورت گرفت (دو قطبی سازی میان غرب تمدن یافته و اسلام بنیادگرای متخاصم). در این فضا تصویر اسلام اغلب به خشونت، بنیادگرایی و عدم تعامل تقلیل داده می‌شد. لذا با توجه به بستر تاریخی صدور این نامه و با درک آن بستر می‌توان به نیت گوینده پی برد. بنابراین، هدف فهم نامه، به مثابه یک کنش زبانی است که قصد داشته در بستر خاصی اثری معین بر مخاطب -جوانان غربی- بگذارد. این بدان معناست که برای تحلیل نامه رهبر انقلاب باید قواعد زبانی حاکم بر گفتمان‌های سیاسی مذهبی در سال ۲۰۱۵ را در نظر بگیریم.

در تحلیل اسکینری، این انتخاب مخاطب، بخشی از کنش گفتاری نویسنده است. رهبر انقلاب با خطاب مستقیم به جوانان، تلاش می‌کند تا فیلترهای رسانه‌ای و سیاسی را که روایت رسمی غرب از ایران و اسلام را شکل داده‌اند دور بزند ایشان جوانان را به عنوان نسل آینده، هدف نهایی برای تغییر گفتمان می‌داند و می‌نویسد: «من ایمان دارم که تنها شما جوان‌هایی که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سد بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه‌ی کنونی رسانده است» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱۱/۱۳). اقدام رهبر انقلاب برای ارسال مستقیم نامه به جوانان غربی به جای سخنگویان رسمی یا رسانه‌های معمول یک کنش راهبردی محسوب می‌شود. این اقدام تلاشی برای شکستن انحصار

روایت بود. اگر مرجعیت توضیح اسلام در دست رسانه‌های جریان اصلی غربی بود، آن‌ها هر تعریفی از اسلام را از منظر خشونت باز تفسیر می‌کردند: «در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم؛ چون معتقدم آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت جدا کرده‌اند» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱/۲۱). توجه به زمان صدور نامه، نشان می‌دهد که این کنش، یک اقدام واکنشی صرف نیست؛ بلکه یک پیش‌دستی گفتمانی است که در پی تغییر قواعد بازی در سطح ارتباط مستقیم با شهروندان غرب است. نامه نه به رؤسای جمهور و نه به سازمان‌های بین‌المللی؛ بلکه مستقیماً به جوانان اروپا و آمریکا خطاب شده است. این انتخاب نشان می‌دهد که نیت نویسنده نه در پی مذاکره سیاسی یا محکومیت دیپلماتیک؛ بلکه به دنبال روشنگری فرهنگی و فکری در اذهان جوانان است. نویسنده آنان را به دلیل ظرفیت فکری انتقادی و دوری نسبی از ساختارهای قدرت رسمی، بستر مناسبی برای پذیرش یک روایت متفاوت از اسلام می‌داند و می‌نویسد: «من شما را مخاطب اصلی خود قرار دادم؛ نه دولتمردان شما را که افرادی مزور هستند. شما را خطاب قرار دادم که روح آزاد اندیشی در وجود شماست» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱/۲۱).

کنش جداسازی

شاید مهم‌ترین کنش زبانی نامه، تلاش برای تمایز قائل شدن بین تروریسم و اسلام حقیقی و ایجاد مرزهای معنایی دقیق میان پدیده‌هایی است که گفتمان غالب آن‌ها را در هم ادغام کرده بود (فراخوان برای تفکیک میان اسلام راستین و اسلام آمریکایی که نویسنده آن را نماد تفاسیر افراطی و ابزاری می‌داند).

قصد محمول

قصد این است که مخاطب به جای پذیرش دسته‌بندی ساده اسلام مساوی تروریسم، وارد یک دسته‌بندی دوتایی شود؛ یعنی اسلام حقیقی در مقابل اسلام تکفیری مانند القاعده/ داعش. هسته اصلی نامه، فراخوان مستقیم جوانان برای مطالعه مستقیم متون اسلامی است. نویسنده می‌خواهد با هدایت مخاطب به منابع دست اول، قدرت واسطه‌های تفسیری را -که پیش‌فرض‌های منفی را اعمال می‌کنند- از بین ببرد. این فراخوان یک پیش شرط را در خود دارد که منابع دست اول تفسیر غنی‌تری ارائه خواهند داد. از منظر اسکینر این کنش با هدف مشخص ایجاد باور به کفایت منابع اصیل در مخاطب انجام شده است تا اثر بلندمدت بر رفتار فکری مخاطب بگذارد. لذا رهبر انقلاب اشاره می‌کند که: «خواستگی من این است که در واکنش به پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از اسلام به‌دست آورید. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. آیا جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ (همان).

واژگان کلیدی نامه مانند اسلام، غرب و تروریسم؛ باید در بافت گفتمانی مورد استفاده نویسنده تحلیل شوند. نویسنده با دقت از واژگانی پرهیز می‌کند که در گفتمان غرب بیشترین بار معنایی منفی را دارند (مانند جهاد در معنای رایج فعلی) در عوض برواژگانی مانند عدالت، معنویت و عقلانیت تأکید می‌کند. این انتخاب کلمات نشان دهنده فهم عمیق نویسنده از محدودیت‌های زبانی و ضرورت استفاده از واژگانی است که

می‌توانند در فضای گفتمانی غرب حتی با وجود مقاومت اولیه نفوذ کنند و زمینه را برای پذیرش کنش‌های زبانی بعدی فراهم سازند. این نامه نیت ارتباطی نویسنده را نه در بیان صرف حقیقت؛ بلکه در تغییر جهت‌گیری فکری مخاطب در مواجهه با حقیقت مورد ادعا قرار داد. نامه در بافت خود تلاشی است برای تغییر قصد محمول غالب در اذهان جوانان غربی نسبت به اسلام. در سبک اسکینری، نامه رهبر انقلاب را می‌توان به منزله کنش‌های گفتاری سیاسی در سه سطح زیر فهم کرد.

۱- آنچه انجام می‌شود: دعوت به گفت‌وگوی بین‌فرهنگی (کنش اخلاقی)، نقد سلطه رسانه‌ای غرب (کنش انتقادی) و تقویت مشروعیت دینی و انقلابی (کنش تثبیت هویتی).

۲- تأثیر مورد انتظار: حمله به شارلی ابدو نه یک واقعه منفرد، بلکه نمادی از تداوم درگیری‌های هویتی و فرهنگی در غرب سکولار بود. در این فضا رسانه‌های جریان اصلی غرب گفتمان غالب را درباره اسلام شکل داده بودند؛ گفتمانی که خشونت را ذاتی اسلام تلقی می‌کرد. در این بستر جمهوری اسلامی ایران که بازیگری مهم در عرصه بین‌الملل و نماینده بخشی از جهان اسلام بود، نیازمند استراتژی‌ای بود تا اولاً این گفتمان غالب را به چالش بکشد، ثانیاً موضعی اخلاقی و متمایز از گروه‌های تروریستی اتخاذ کند و بگوید: «اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به‌عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند» (همان) و ثالثاً تصویر جهانی خود را ترمیم نماید: «آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که اسلام چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟» (همان). از این رو ایجاد همدلی نسل جوان غربی، کاهش اسلام‌هراسی و تثبیت نقش ایران به‌عنوان منادی اسلام معقول منظور نویسنده نامه است.

۳. بستر گفتمانی: گفتمان مقاومت در برابر نظم جهانی غرب‌محور، ادامه مفهوم امت جهانی در چارچوب جهانی‌شدن ارتباطات و ترکیب اخلاق دینی با کنش سیاسی (ویژگی خاص گفتمان جمهوری اسلامی). این نامه با زبانی اخلاقی از مخاطبان می‌خواهد که اسلام را از طریق منابع اصیل و نه از کانال رسانه‌های جهت‌دار بشناسند. رهبر انقلاب اسلامی جوانان اروپایی را به قرآن و عترت (ع) ارجاع می‌دهند چون می‌دانند خیلی از مسائلی که از رسانه‌های غربی درباره اسلام مشاهده کرده‌اند، با روایت اصلی اسلام مغایر است: «سخن من با شما درباره اسلام است و به‌طور خاص؛ درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری، نژادپرستی و استعمار شرمسار است» (همان). بنابراین، نیت گوینده در زمان نگارش نامه. نیت گفتار بازسازی حقانیت؛ نیت محوری رهبر انقلاب از نگارش این نامه انجام فعلی گفتاری اقناعی و تصحیح‌گرانه است. انگیزه ایشان از نوشتن این نامه، دفاع از حقانیت و کیان اسلام بود که توسط رسانه‌های غربی مساوی با تروریسم معرفی می‌شد: «از آن جا که اسلام و مخصوصاً فقه شیعه تأکید بر صلح دارد، نه تنها مروج تروریسم نیست؛ بلکه مخالف آن است و ترور را حرام می‌داند» (مطلبی و رحیمی، ۲۰۱۶: ۱۲۳-۱۳۱). نیت این است که مخاطب از نقش منفعل دریافت‌کننده اطلاعات خارج شده و به یک کنش‌گر فعال در فهم دین تبدیل شود. این خود یک کنش گفتاری تعلیمی است.

موفقیت این کنش‌گفتاری در گرو این است که بخشی از جوانان غربی دست کم برای مدتی کوتاه در صحت روایت رسانه‌ای خود در مورد اسلام تردید کنند. این تردید زمینه‌ساز هرگونه گفت‌وگوی آینده خواهد بود.

نامه دوم رهبر انقلاب اسلامی جوانان اروپا و آمریکا

نامه دوم رهبر انقلاب اسلامی به جوانان غربی زمانی نوشته شد که فرانسه بار دیگر شاهد حادثه‌ای تروریستی بود. ۲۲ آبان ۱۳۹۴ (۱۳ نوامبر ۲۰۱۵) حادثه‌ای تروریستی توسط داعش در حومه شمالی پاریس موجب ایجاد موجی از اسلام‌هراسی در غرب شد که ۸ آذر ۱۳۹۴ (۲۹ نوامبر ۲۰۱۵) رهبر انقلاب اسلامی طی نامه‌ای به عموم جوانان غربی به تبیین مسائل پیرامون آن پرداختند. نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، یکی از متون مهم گفتمانی در عرصه‌ی روابط اسلام و غرب به‌شمار می‌آید. این نامه همانند نامه نخست نوعی کنش سیاسی-گفتمانی است که به بازتعریف رابطه میان غرب و اسلام می‌پردازد. نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی پس از حملات تروریستی در فرانسه (شارلی ابدو) در ژانویه ۲۰۱۵ منتشر شد. ایشان در آغاز نامه از حوادث تلخ تروریسم کور در فرانسه یاد می‌کند و انگیزه نگارش نامه را دعوت به گفت‌وگویی صادقانه با نسل جوان غرب معرفی می‌کند: «حوادث تلخی که تروریسم کور در فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفتگو با شما جوانان، برانگیخت» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱۱/۱۳). این نامه در ظاهر خطاب به قشر جوان غربی است، اما در واقع مخاطب سیاسی و گفتمانی گسترده‌تری دارد؛ از رسانه‌ها و سیاستمداران غربی تا نخبگان جوامع اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای در این نامه تلاش می‌کند با عبور از ساختارهای رسمی و دیپلماتیک، مستقیماً با نسل جدیدی از مخاطبان ارتباط برقرار کند. این اقدام در بستر تحولات پیچیده ژئوپلیتیکی منطقه و افزایش اسلام‌هراسی پس از موج حملات تروریستی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد چنانچه در مقدمه ذکر شد خوانش این متن در چارچوب هرمنوتیک اسکینر به ما امکان می‌دهد تا فراتر از معنای ظاهری عبارات، به درک نوع عمل گفتاری نویسنده و بافت تاریخی تولید معنا دست یابیم لذا تأکید بر اهمیت نیت مؤلف و بافت تاریخی، ما را وادار می‌سازد تا نامه را صرفاً یک بیانیه تلقی نکنیم؛ بلکه آن را یک کنش سیاسی ببینیم که در شرایط خاصی انجام شده و هدف مشخصی را دنبال می‌کند.

تأکید بر ارزش‌های مشترک انسانی

تمرکز بر قشر جوان، تلاشی است برای ایجاد ارتباط بر پایه ارزش‌های انسانی مشترک؛ نه بر پایه بده بستان‌های سیاسی دولت‌ها. این نامه در واقع مداخله‌ای مستقیم در منازعه گفتمانی غالب بود؛ منازعه‌ای که در آن، روایت غرب بر مبنای اسلام‌هراسی تعریف شده بود و نویسنده قصد داشت با ایجاد یک کانال ارتباطی موازی، این هژمونی معنایی را به چالش بکشد: «درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شما است، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم کشورهای اسلامی طی سال‌های متمادی تحمل کرده‌اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست این که دنیای اسلام در ابعادی به مراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت

بوده است؛ و دوم این که متأسفانه این خشونت‌ها همواره از طرف برخی قدرت‌های بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است. رنجی که در این سال‌ها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارت‌های مادی نیست» (همان).

نیت گفتاری و کنش در گفتار

برای درک نیت گفتاری نویسنده باید به افعال کلامی موجود در متن توجه کنیم. جمله آغازین نامه -حوادث تلخی که تروریسم کور در فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفتگو با شما جوانان برانگیخت- نمونه‌ای قوی از کنش گفتاری است. از منظر اسکینر، این جملات صرفاً خبری یا ابراز احساسات نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای از کنش‌های گفتاری هستند که نویسنده در حال انجام آن‌ها است. از منظر نوع عمل گفتاری، هدف گفتار (نیت): اعلام وضعیت (وقوع حوادث تروریستی و بیان تلخی آن)، مشروعیت بخشی به خود (به‌عنوان یک کنشگر اخلاقی که از خشونت بیزار است)، دعوت و التزام (دعوت صریح به گفت‌وگو و هم‌اندیشی، ایجاد امکان ارتباط غیرخصمانه و تعلیق موقت فضای منازعه سیاسی) و بیان انگیزه (بیان انگیزه شخصی برای برقراری ارتباط با جوانان و برانگیختن حس همدلی و هم‌فکری از طریق شخصی‌سازی ارتباط) می‌باشد. در اینجا نیت اصلی نویسنده (کارکرد کلام- هدف نویسنده از گفتن): تأسیس یک فراخوان برای بازتعریف رابطه اسلام و غرب از طریق گفت‌وگوی مستقیم با نسل جدید است.

این فراخوان تلاشی است برای اجرای یک عمل سیاسی -بازآفرینی جایگاه ایران به‌عنوان کنشگری اخلاقی و عقلانی- که به‌دنبال راه‌حل‌های بنیادین است؛ نه صرفاً درگیری‌های نظامی و سیاسی سطح بالا: «به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه‌ی خشونت‌زا است. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد» (خامنه‌ای، ۲۰۱۵/۱۱/۱۳). این عمل، هژمونی گفتمان امنیتی غرب را که تنها سخن از قدرت و تهدید می‌داند هدف قرار می‌دهد.

زبان به‌مثابه ابزار کنش سیاسی

اسکینر معتقد است که زبان، میدان نبرد ایدئولوژی‌هاست. انتخاب واژگان کلیدی در نامه نشان‌دهنده تلاش آگاهانه برای جابه‌جایی معنایی در مفاهیم اصلی است. نویسنده به جای پذیرش چارچوب‌های زبانی غرب، سعی می‌کند چارچوب خود را اعمال کند: تروریسم کور؛ این ترکیب، واژه‌ای است که اسلام‌گرایان غالباً برای نفی ارتباط عمل تروریستی با اسلام به‌کار می‌برند. بار معنایی واژه‌ی کور، نفی عقلانیت و هدفمندی است. نویسنده با انتخاب این عبارت، به وضوح تلاش می‌کند تا اسلام را از کنش خشونت‌آمیز جدا کند و عملیات تروریستی را عملی غیرعقلانی و بیگانه با آموزه‌های اسلامی معرفی کند.

جوانان در مقابل نخبگان رسمی

همان‌طور که ذکر شد، مخاطب‌گیری جوانان، در راستای بازتعریف رابطه قدرت است. این یک استراتژی زبانی برای ایجاد پایگاه اجتماعی جدید در غرب است. گفت‌وگو و تفکر: تأکید مکرر بر گفتگو به جای برداشت‌های رسانه‌ای، تلاشی برای جابه‌جایی اسلام از حوزه‌ی سیاست امنیتی به حوزه معرفت‌شناختی و فکری است. در سنت اسکینر، چنین جابه‌جایی معنایی، خود نوعی کنش سیاسی است. مفاهیمی مانند اسلام و تروریسم فاقد معنایی ثابت هستند و پیوسته محل نزاع‌اند. هر نویسنده‌ای که بتواند بار معنایی غالب را به نفع خود تغییر دهد، در حوزه قدرت زبانی پیروز شده است. رهبر انقلاب با این نامه در حال مبارزه معنایی برای بازپس‌گیری تعریف اسلام از دست روایت‌های غربی است.

بازسازی عمل ارتباطی در سطح گفتمان

در سطح کلان‌تر، نامه تلاشی برای تغییر قواعد بازی ارتباطی است. اسکینر اهمیت می‌دهد که نویسندگان چگونه تلاش می‌کنند تا قواعد زبانی یک دوره را تغییر دهند بنابراین، نامه رهبر انقلاب کوششی است برای: ۱- تغییر پارادایم از تقابل به تبادل: بافت گفتمانی غالب در سال ۲۰۱۵ مبتنی بر پارادایم برخورد تمدن‌ها بود. نامه با محوریت گفت‌وگو سعی می‌کند این پارادایم را به مواجهه خردمندانه دو اندیشه تبدیل کند: «بنابراین از شما جوانان می‌خواهم بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید» (همان). این یک عمل گفتمانی برای کاهش خصومت است که در سطح کارکرد کلام قابل تحلیل است.

۲- مشروعیت‌زدایی از روایت غالب: با خطاب قراردادن جوانان و دعوت به تفکر آزاد، نویسنده تلویحاً این پرسش را مطرح می‌کند که چرا نخبگان غربی از گفت‌وگوی مستقیم هراس دارند؟ این امر به‌طور ضمنی روایت غربی را که اسلام را یک سیستم بسته و غیرقابل تأمل می‌داند، مشروعیت‌زدایی می‌کند. و در واقع یک کنش انتقادی است که هدفش تضعیف هژمونی گفتمانی حریف است: «جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض موزیانه است» (همان).

۳- ایجاد هویت گفتمانی بدیل: نامه تلاش می‌کند یک هویت بدیل برای مسلمانان معرفی کند؛ هویتی که توانایی نقد، تفکر و برخورد اخلاقی با بحران‌های جهانی را دارد؛ نه صرفاً هویتی که درگیر مسائل منطقه یا سیاست‌های دولت‌های اسلامی است. کارکرد این ارائه هویت، تغییر تصویر ذهنی مخاطب غربی، از دیگری است.

نامه سوم رهبر انقلاب اسلامی (به دانشجویان حامی فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا)

به دنبال نسل‌کشی رژیم صهیونی در غزه خیزش مسالمت‌آمیز دانشجویی در حمایت از غزه از ۱۷ آوریل ۲۰۲۴ از دانشگاه‌های آمریکا آغاز و به‌تدریج به دانشگاه‌های دیگر کشورهای غربی نیز کشیده شد. در پی اقدام اعتراض‌آمیز دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا در اعتراض به نسل‌کشی مردم غزه توسط رژیم

صهیونیستی در ۲۹ فروردین ۱۴۰۳ (۱۷ آوریل ۲۰۲۴)؛ رهبر انقلاب اسلامی در ۵ خرداد ۱۴۰۳ (۲۵ مه ۲۰۲۴) طی نامه‌ای به عموم جوانان غربی و آمریکای شمالی، به تبیین مسائل پیرامون این حادثه پرداختند. این نامه در ۵ خرداد سال ۱۴۰۳ ش (۲۵ مه سال ۲۰۲۴ م) صادر و ۱۰ خرداد منتشر شد. صدور و انتشار این نامه پس از آن بود که خیزش دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا با سرکوب پلیس مواجه شده بود.

در چارچوب اسکینری، متن هرگز در خلاء تولید نمی‌شود و قدرت اثرگذاری یک بیانیه سیاسی مستقیماً با میزان انطباق آن با انتظارات و قواعد گفت‌وگویی حاکم بر زمانه نگارش گره خورده است (بازسازی زمینه تاریخی و گفت‌وگویی). نامه در اوج اعتراضات گسترده دانشجویی در ایالات متحده و اروپا علیه جنگ غزه و حمایت دولت‌های غربی از رژیم صهیونیستی نگاشته شده است. این اعتراضات یک پدیده داخلی دانشگاهی نبود؛ بلکه چالشی مستقیم علیه سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شد. این بستر تاریخی دارای چند ویژگی کلیدی است: اول؛ شکاف نسلی و ایدئولوژیک معترضان دانشجویی که با شکلی از آرمان‌گرایی سیاسی و حساسیت‌های عمیق به عدالت اجتماعی و حقوق بشر تربیت شده‌اند. این نسل میراث‌دار جنگ‌های عراق و افغانستان است و به مشروعیت قدرت‌های مسلط غربی بدبین است.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید بر واژه دولت آمریکا دارند؛ نه ملت آمریکا. به واقع ریشه‌های بسیاری از جنگ‌ها و عامل اصلی بسیاری از فجایع تاریخ معاصر با سیاست‌ها و اقدامات آمریکا گره خورده است: «بزرگ‌ترین حامی رژیم غاصب، دولت آمریکا است که پشتیبانی‌های سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی از آن رژیم را یکسره ادامه داده است. امروز هم برخی اظهارات دولت آمریکا در قبال جنایت غزه بیش از آنچه واقعی باشد، ریاکارانه است» (خامنه‌ای، ۲۰۲۴/۵/۲۵). دوم؛ تقابل با روایت‌های غالب در تغییر بنیادین وضعیت موجود و سوم؛ استقبال از تقابل این اعتراضات که به یک درگیری مدنی ایدئولوژیک تبدیل شد. در چنین فضایی نامه رهبر انقلاب به مثابه یک تأیید خارجی و مشروعیت بخشی بین‌المللی به این کنش‌های داخلی عمل می‌کند و آن‌ها را از دایره اعتراضات صرفاً دانشگاهی خارج ساخته و به بخشی از یک محور جهانی ارتقا می‌دهد: «جبهه‌ی مقاومت سال‌هاست مبارزه می‌کند. هدف این مبارزه، توقف ظلم آشکاری است که شبکه بی‌رحم صهیونیستی از سال‌ها پیش بر ملت فلسطین وارد ساخته است» (همان). لذا هر که در مسیر توقف ظلم آشکار صهیونیست‌ها باشد، جزئی از جبهه سرنوشت ساز مقاومت است؛ جبهه‌ای فراتر از همه دوگانه‌های ساختگی ایرانی و غیرایرانی، شیعی و سنی، شرقی و غربی و... . از نظر قواعد گفت‌وگویی؛ اسکینر استدلال می‌کند که معنای واژه‌ها توسط کاربرد رایج آن‌ها در یک شبکه زبانی معین تعریف می‌شود. در این نامه واژگانی که از دایره لغات رسمی جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرند، بارهای معنایی خاص و از پیش تعریف شده‌ای دارند که برای مخاطب داخلی کاملاً شفاف است و برای مخاطب غربی یا دانشجویان نوعی چارچوب‌بندی ایدئولوژیک فراهم می‌آورد.

دو کلید واژه استکبار و استضعاف، دو کلمه دقیق برای فهم جبهه‌بندی در تفکر انقلاب اسلامی است. این دو لغت قرآنی از ابتکارات امام(ره) است که وارد ادبیات سیاسی شد. امام دلیل اصلی پیدایش دو جبهه استکبار و استضعاف را امری اخلاقی می‌داند:

«پیدایش روحیه استکباری، ناشی از خود برتر بینی و انسان محوری (اومانیسم) به جای خدامحوری است. هم چنین ناآگاهی مستضعفین و عدم باور به خود باعث شده گروهی خود را ضعیف‌تر از ملت‌ها و دولت‌های دیگر بدانند. تمام فسادهایی که در عالم و در حکومت‌ها فساد واقع شده، از بیماری خودبینی است» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۹: ۲۵۰).

از منظر مدل تاریخی اسکینری؛ در نگاه نویسنده، تاریخ به صورت یک سیر خطی و غایت انگارانه تفسیر می‌شود که مسیر آن از وضعیت کنونی هژمونی غرب و صهیونیسم به سوی پیروزی نهایی نیروهای توحیدی و حق طلب جبهه مقاومت در حرکت است: «جبهه مقاومت با فراگیری و عمل به دستورات قرآن به پیش می‌رود و به پیروزی خواهد رسید؛ باذن الله» (خامنه‌ای، ۲۵/۵/۲۰۲۴). پیام نامه این است که خوانندگان از خواب غفلت بیدار شوند و وضعیت موجود را ببینند و در مسیر حق مقاومت کنند و این امیدواری را به مردم جهان دادند که آگاهی، منشأ ورق خوردن تاریخ شده و خواهد شد. این آگاهی حتما منشأ شکل‌گیری مقاومت گسترده و تغییرات جدی در سطح جهانی خواهد بود (عاملی، ۲۰۲۴). این امر به کنش‌های دانشجویان یک وجه قدسی و اجتناب‌ناپذیر می‌بخشد.

بر اساس چارچوب نظری مقاله «قصد» تنها در بستر زمانی خود معنا می‌یابد؛ لذا این نامه در حالی شکل گرفته است که اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا-پس از شروع عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در غزه- اوج گرفته و گسترش یافته و این اعتراضات یک شکاف جدی در اجماع سیاسی غرب ایجاد کرده بود. از سوی دیگر، جهان شاهد حمایت تمام‌عیار دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی در سطح بین‌المللی و تلاش برای منزوی کردن ایران و محور مقاومت بود. و در چشم‌انداز بلندمدت؛ تقابل بنیادین و ایدئولوژیکی میان نظام سلطه جهانی به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی و جبهه مقاومت به رهبری ایران دیده می‌شود که همچنان ادامه دارد. لذا نویسنده در این بستر تاریخی با این نامه، به دانشجویان امکان می‌دهد که از موضع قربانی ستم تحت فشار دولت خود، به موضع قهرمان تاریخ‌ساز منتقل شوند.

اسکینر معتقد است که درک گونه مناظره، موعظه یا نامه سیاسی، برای درک قصد گوینده حیاتی است؛ زیرا مخاطب با پیش‌فرض‌هایی به متن نزدیک می‌شود. این نامه خود را در گونه خاصی دسته‌بندی می‌کند که پیشینه‌های عمیقی در ادبیات سیاسی و مذهبی ایران معاصر دارد. ساختار حکم می‌کند که نامه باید یک ساختار دوگانه داشته باشد؛ بخش اول همدردی و اثبات درک عمیق نویسنده از وضعیت مخاطب (لحن نامه آمیزه‌ای دقیق از حمایت عاطفی است که در کنار دستورالعمل‌های اخلاقی، جایگاه نویسنده را از یک مسئول، به یک مرجع دانا، دلسوز و فراتر از سیاست‌های روزمره تبدیل می‌کند) و بخش دوم هدایت و ارائه چارچوبی که در آن ادامه راه فعلی نیازمند پذیرش رهنمودهای ایدئولوژیک نویسنده است. بنابراین، رهبر انقلاب اسلامی یک دهه به صورت مستقیم با نسل جوان آمریکا و اروپا سخن گفتند تا آگاهی این نسل نسبت به حقیقت اسلام و حقایق مرتبط با نظام سلطه را بر انگیزند.

نامه رهبر انقلاب اسلامی به دانشجویان آمریکایی از محتوای راهبردی قدرتمندی برخوردار است: آگاهی نسبت به ظلم نظام سلطه، ایجاد امید و همدلی پدران به نسل جوان معترض آمریکایی؛ روح و پیام اصلی نامه رهبر انقلاب اسلامی به دانشجویان آمریکایی است:

«این نامه را به جوانانی می‌نویسم که وجدان بیدارشان آن‌ها را به دفاع از کودکان و زنان مظلوم غزه برانگیخته است. جوانان عزیز دانشجو؛ این پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. ایستادگی شما را ارج می‌نهم» (خامنه‌ای، ۲۵/۵/۲۰۲۴).

متن نامه از لحاظ زبانی، ترکیبی از توصیف تاریخی (بخش فلسطین و رژیم صهیونیستی)، انتقاد شدید (بخش آمریکا و رژیم صهیونیستی) و فراخوان عمل است. اعمال کلامی کلیدی در نامه عبارت‌اند از:

- ۱- اعلام هویت جدید به مخاطب: که طی آن دانشجویان را از گروهی معترض داخل دانشگاهی به عاملیت تاریخی ارتقا می‌دهد (دو جمله محوری شما اکنون در طرف درست تاریخ ایستاده‌اید و شما اکنون بخشی از جبهه‌ی مقاومت را تشکیل داده‌اید): «شما اکنون در طرف درست تاریخ - که در حال ورق خوردن است - ایستاده‌اید. شما اکنون بخشی از جبهه‌ی مقاومت را تشکیل داده‌اید و زیر فشار بی‌رحمانه‌ی دولت‌تان - که آشکارا از رژیم صهیونیستی دفاع می‌کند - مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید» (همان).
- ۲- افشاگری و تفسیر: که طی آن نویسنده با حمله به اصول بنیادین لیبرالیسم غرب، به‌طور مداوم سیاست آمریکا را ریاکارانه و فریب‌کارانه و حمایت از رژیم صهیونیستی را دفاع آشکار از آن رژیم معرفی می‌کند.

۳. فراخوان اخلاقی / دینی: که با استناد به قرآن (فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ - وَ لَا تَطْلُمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ)، عمل سیاسی را به یک وظیفه دینی فراملی تبدیل می‌کند. این عمل کلامی، جنبش را از دایره سیاست صرف خارج کرده و به قلمرو دین و اخلاق مطلق وارد می‌سازد. لذا قصد نویسنده در تحلیل اسکینری، همان عملی است که نویسنده قصد دارد با انجام عمل گفتاری نوشتن نامه به آن دست یابد. این قصد فراتر از ابراز همدردی است و ماهیت استراتژیک دارد. با اعمال روش اسکینر، معنای نامه نه تنها در محتوای صریح آن؛ بلکه در نحوه جای‌گیری آن در بستر گفتمان ایدئولوژیک ایران و قصد نویسنده برای فعال سازی یک گفتمان مقاومت جهانی نهفته است. این نامه یک فراخوان برای اقدام؛ بلکه فراخوانی برای باز تعریف معنای کنش است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سه نامه رهبری انقلاب اسلامی را که طی سال‌های گذشته خطاب به جوانان غربی و به مناسبت‌های مختلف نوشته شده‌اند مورد بررسی قرار دادیم. هدف این بود که فراتر از مبنای ظاهری واژه‌ها در وهله نخست فلسفه‌ای که زمینه‌ساز چنین اقداماتی است مورد توجه قرار گیرد و در مرحله دوم براساس روش اسکینر معنای واقعی نهفته در متن نامه‌ها روشن گردد. پژوهش حاضر نشان داد که چارچوب نظری رفتارگرایی اسکینر می‌تواند به‌عنوان یک روش تحلیلی مناسب برای درک عمیق ساختار و هدف‌نامه‌های

آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان غربی عمل کند. لذا می‌توان قصد رهبر انقلاب را از خطاب قرار دادن دانشجویان و جوانان غربی در قالب یک نامه رسمی در گزاره‌های ذیل تلخیص نمود.

۱- تبدیل یک بحران داخلی جوامع غربی به شاهی بر شکست اخلاقی سیستم لیبرال دموکراتیک غرب. در واقع این پژوهش نشان داد که نامه‌های رهبر انقلاب به مثابه یک برنامه تقویتی پیچیده عمل کرده‌اند و در سطح «کنش محمول» انتقال داده‌ها صورت گرفته است. اما قدرت اصلی پیام در تحریک کنش تأثیرگذار نهفته بود؛ که فراخوانی جوانان غربی به بازاندیشی انتقادی نسبت به روایت‌های مسلط این امر را تأیید می‌کند که هدف نویسنده، صرفاً اطلاع‌رسانی نبود، بلکه تنظیم و تغییر دادن شرطی‌شدگی‌های عملی مخاطب در برابر مفاهیمی چون آزادی، عدالت و هویت بود.

۲- مشروعیت بخشی جهانی تأیید شده به اعتراضات دانشجویی توسط یک رهبر دینی سیاسی به‌عنوان یک روش تأثیرگذار در مخاطب قرار دادن جوانان غربی. تحلیل این روش سبب شد که از توصیف صرف عبور کرده و به نحوه تحقق اهداف ارسال نامه‌های رهبری وارد شویم روشی که قابلیت تعمیم به متون مشابه را دارد.

۳- ایجاد یک هویت مشترک ایدئولوژیک میان جمهوری اسلامی به‌عنوان رهبر محور مقاومت و معترضان غربی از منظر محتوای سیاسی-ایدئولوژیک، یافته‌ها حاکی از یک استراتژی ارتباطی هدفمند است که به دنبال ایجاد پیامد درازمدت است (جمله "شما اکنون بخشی از جبهه مقاومت را تشکیل داده‌اید"؛ یک فعل گفتاری تحقق بخش است. با گفتن این جمله نویسنده نه تنها اعلام می‌کند که دانشجوی معترض بخشی از مقاومت است؛ بلکه در حال تعریف مجدد هویتی جدید از دانشجوی معترض به‌عنوان مدافع حق در جبهه جهانی است. بنابراین، این نامه‌ها با شناسایی دقیق نقاط ضعف و شکاف‌های ایدئولوژیک در فرهنگ مخاطبان غربی، به سمت ایجاد یک شرطی‌سازی اجتماعی-سیاسی جدید حرکت کردند. این استراتژی، که در آن مفاهیم اخلاقی به‌عنوان تقویت‌کننده‌های دائمی برای نقد سیستمیک غرب تعریف شده‌اند، نشان‌دهنده یک دیپلماسی عمومی پیشرفته است. که مأموریت تاریخی و اخلاقی را برای تعیین سرنوشت با عبارت «شما اکنون در طرف درست تاریخ ایستاده‌اید». پیش پای دانشجویان معترض غربی قرار می‌دهد. در واقع این جمله قصد دارد حس انزوا یا شک را از معترضان بگیرد و آن‌ها را در چارچوبی تاریخی قرار دهد که شکست در آن ناممکن است.

۴- هدایت سیاسی و اخلاقی این جنبش نوظهور به سمت چارچوب مورد نظر جمهوری اسلامی (قصد استراتژیک).

۵- ارجاع دینی و مستقیم به قرآن (فاستقم کما أمرت) و تلاش برای دینی‌سازی یا حداقل اخلاقی‌سازی این جنبش‌های عمدتاً سکولار.

در مجموع، در این پژوهش ماهیت ارتباطی نامه‌ها تبیین شد، و نیز نشان داده شد که چگونه می‌توان ابزارهای علمی و رفتاری را برای تحلیل عمیق متون استراتژیک و ایدئولوژیک به کار گرفت. پیشنهاد کلیدی برای تحقیقات آتی، تمرکز بر مطالعات طولی و کمی (مانند تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی پس از

انتشار نامه‌ها) است تا میزان موفقیت این استراتژی ارتباطی در تغییر واقعی و قابل اندازه‌گیری رفتار مخاطب به‌طور دقیق‌تری ارزیابی شود.

جدول ۱: جدول تطبیقی کنش گفتاری در نامه‌های رهبر انقلاب به عموم جوانان غربی بر

اساس رویکرد اسکینر

سطح کنش گفتاری (اسکینر)	تعریف مفهومی (تمرکز بر رفتار)	مصادق در محتوای نامه‌های رهبری	کارکرد ارتباطی (هدف رفتاری)
۱- کنش محمول	قصد اولیه گوینده در تولید واژگان (آنچه گفته می‌شود)	دعوت صریح به «مطالعه‌ی مستقیم منابع»؛ «نقد رسانه‌های غربی».	انتقال اطلاعات پایه و ایجاد یک محرک کلامی اولیه
۲- کنش تأثیرگذار	نیروی ارتباطی نهفته در کلام؛ (کارکرد اجتماعی و نیت واقعی گوینده)	فراخوانی به استقلال فکری؛ ایجاد حس همدلی و هم‌نسلی با جوانان؛ چالش کشیدن فرضیات پذیرفته شده.	شکل‌دهی به نگرش فعال‌سازی مکانیزم‌های شناختی که منجر به رفتار جستجوگرانه می‌شود (تقویت مثبت فکری)
۳- کنش گفتار پیامدی	اثرات قابل مشاهده یا مورد انتظار بر شنونده (نتیجه تقویت/تنبیه).	کاهش اسلام‌هراسی؛ افزایش ارجاعات به نامه‌ها در فضای مجازی؛ گزارش‌هایی مبنی بر شروع مطالعات فردی توسط جوانان.	تغییر رفتار مشاهده‌پذیر این سطح؛ معیار موفقیت نظریه اسکینر در پژوهش شماسست
۴- کارکرد اجتماعی گفتار	جایگاه و نقش کلام در بافتار تاریخی و اجتماعی بزرگ‌تر	تثبیت نقش رهبری به عنوان یک «مرجع فکری اخلاقی» در تقابل با مرجعیت رسانه‌ای مسلط.	تأمین یک محیط تقویتی جدید برای پاسخ‌های فکری و ارزشی مخاطبان

References

- The Holy Quran
- Skinner, Quentin (2002). Visions of Politics, Cambridge: Cambridge University Press.
- A review of the message of the Leader of the Revolution to American students, Mehr News Agency, International Group, June 17, 2024, 5:18, News Code: 6125863, available at: <https://www.mehrnews.com/news>
- Abouzeid, Sarkis (2010). Mehr News Agency, Webinar on the Intellectual Approach of the Second Step of the Revolution Message Programs, February 23, 12:06, News Code: 5144337. Available at: <https://www.mehrnews.com/news/514>

- Alipour, Abbas and Mojradi, Saeed and Hayat-e-Moghaddam, Amir and Alizadeh, Ali and Junaidi, Reza (2018). *Strategies for preventing and confronting Islamophobia*,” Defense Strategy Quarterly”, No. 63. (In Persian)
- Ameli, Saeed Reza (1403). The powerful strategy of the 680-word letter of the Revolutionary Leader to American students, available at: <https://www.mehrnews.com/news/6131910/>
- *Constitution of the Islamic Republic of Iran*, approved in (1979). Chapter One: Article Three. (In Persian)
- Eissazadeh, Abbas and Sharaf al-Din, Seyed Hossein and Akhavan al-Avi, Seyed Hossein (2018). *Strategies for understanding the phenomenon of Islamophobia based on orientalism*” Defense Strategy Quarterly” No. 87: pages 51-134. (In Persian)
- Emami, Seyyed Hossein (2025). *The Idea of Governance: A Review of Mohsen Mohajernia's Process Theory of the Islamic Revolution*” Farhikhtegan Newspaper” (In Persian)
- Esposito, John L (2003). *The Islamic Revolution and Its Global Reflection*, translated by Mohsen Modir Shanechi, Tehran, Center for the Recognition of Islam and Iran. (In Persian)
- Farzandi, Abbas Ali (2019). *Islamic Revolution and Strategic Depth*, National Defense University, Office of Defense School and Thought. (In Persian)
- Gorbachev, Mikhail (1999). *Memoirs of Mikhail Gorbachev*, translated by Fereydoun Dolatshahi, Tehran: Etelat. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2010). *Friday Prayer Sermons*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2011). *Statements at the International Islamic Awakening Conference*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2014). *Letter to students supporting the Palestinian people at US universities*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2014). *Letter to Western Youth in General*. (in Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2014). *Statements at meetings with students*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2015). *Letter to Western Youth in General*. (in Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2018). *Statement on the Second Step of the Revolution*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2018). *Statements at meetings with officials of the regime and ambassadors of Islamic countries on the anniversary of the Prophet Muhammad's (PBUH) mission*. (In Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (1999). *Answers to Questions from Students of Sharif Industrial University*. (In Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1993). *Lisan al-Arab*, vol. 12, 3rd edition, Beirut: Dar Sadr. (In Arabic)
- Iftekhari, Asghar (2009). *The Two Faces of Negative and Creative Islamophobia in Western Propaganda*,” Media Quarterly” No. 79: pp. 30-32. (In Persian)
- Iftekhari, Asghar (2012). *Islamic Awakening in Thought and Action*, Imam Sadiq University. (In Persian)

- Javadi Amoli, Abdullah (1994). *The Voice of Oneness*, Fifth Edition. Qom, Tanzeem Institute. (In Persian)
- KHAMENEI.IR Information Base
- Khomeyar, Abbas (2019). Mehr News Agency, Webinar on the intellectual approach of Payam programs, the second step of the revolution, February 23, 12:06, News Code: 5144337. Available at: <https://www.mehrnews.com/news/>.
- Khobiri, Kabak and Maral Darbandi (2011). *International Law and the Issue of Terrorism, Scientific-Research Quarterly of Political Sciences and International Relations*. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2010). *Sahifeh Imam*, Tehran, Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Volume 19, Fifth Edition. (In Persian)
- Moeini Alamdari, Jahangir (2006). *Methodology of New Theories in Politics*, Tehran: Tehran University Press and Publishing Institute. (In Persian)
- Mohammadi, Manouchehr (1997). *Analysis of the Islamic Revolution*, 6th edition, Amirkabir Publications. (In Persian)
- Morshidizad, Ali and Ghafari Hashjin, Zahid (2007). Islamophobia in Europe, its roots and factors, *Bi-Quarterly Journal of Political Science*, Year 3, Issue 2: Pages 114-124. (In Persian)
- Motalebi, Arayesh and Rahimi Emad (2016). Terrorism from the Perspective of Radical Islamic Fundamentalists and Shiite Political Jurisprudence with a Look at Martyrdom Operations: Pages 123-131. (In Persian)
- Naseri Taheri, Abdullah (2009). Historical Foundations and Roots of Western Islamophobia, A Case Study of the Crusades, *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, Issue 2: Pages 123-124. (In Persian)
- Nazari, Ali Ashraf (2016). Identity Processes in the West and the Representation of Fear-Based Policymaking, Understanding the Contexts of Islamophobia, *Quarterly Journal of Public Policy*, Volume 2, Issue 3: Pages 120-124. (In Persian)
- Pour Saeed, Farzad (2009). *The Evolution of Terrorism in International Relations*, "Strategic Studies Quarterly" Year 12, Issue 4: Pages 148-151. (In Persian)
- Poya, Mansour (1990). *Ali (AS) and Arrogance*, Vol. 1, Chapter 1, Tehran: Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Ragheb Isfahani, Hossein bin Muhammad (1991). *Mufradat Al-Fazl Al-Quran*, Beirut: Dar al-Qalam. (In Arabic)
- Saidi, Ruhol Amin (2019). Letter from the Leaders of the Revolution, an Invitation to the Youth of Europe to Get to Know Islam Directly, Mehr News Agency, News Code: 5126373. Available at: <https://www.mehrnews.com/news/5126373/>
- Skinner, Quentin (1972). *Intentions and the Interpretation of Texts*, New Literary History, vol. 3.
- Skinner, Quentin (1972). *Meaning and Understanding in the History of Ideas*. Cambridge University Press
- Sobhani, Ja'far (2005). *Al-Mujiz fi'Usul al-Fiqh*, translated and explained by Abbas Ziraat, Volume 6, Fifth Edition, Qom: Islamic Law Publications. (In Persian)

-
- Tareehi, Fakhr al-Din (1985). *Majma al-Bahrain*, Vol. 4, Dar and Maktaba al-Hilal, Beirut, Lebanon. (In Arabic)
 - Yousefi Moghadam, Mohammad Sadeq (2010). The statement of the Leader of the Revolution's second step is a model for Arab and Muslim nations. Mehr News Agency, available at: <https://www.mehrnews.com/news/5144337/>